

انترناسیونال هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۲۱

۸ شهریور ۱۳۸۱

۳۰ اوت ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دنيا

بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

و بدون "خطر" سوسیالیسم

به چه منجلابی بدل میشود!

منصور حکمت

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

حزب کمونیست کارگری ایران بعد از منصور حکمت

خلاصه معرفی بحث در پلنوم ۱۶

کمیته مرکزی حزب، ۱۶ اوت ۲۰۰۲

گورش مدرسی



صفحه منصور حکمت

<http://www.m-hekmat.com>

مراسم بزرگداشت منصور حکمت

در استرالیا و دانمارک صفحه ۳

طرح "بیمه زنان خانه دار"

تحقیر آشکار زنان صفحه ۳

در لندن اسلامیون

به هزیمت افتادند! صفحه ۴

پرنس چارلز

از ظل الله تا عین الله صفحه ۴

برای بسیاری نقطه امید آزادی خواهی و برابری طلبی، و آلترناتیو جمهوری اسلامی است. نقطه امید آینده جامعه ایران است. در نتیجه سوالی که در مقابل ما قرار گرفته بمراتب وسیع تر از ابعاد درون حزبی آن است. ابعاد درون حزبی آن بزرگ است و باید به آن پرداخت، و من به آن خواهم پرداخت، اما میخواهم توجه پلنوم را به این مساله جلب کنم که ابعاد عوارض از دست دادن منصور حکمت وسیعتر و عمیقتر است. آینده قدرت سیاسی در ایران مورد سوال است. تاکنون یک جواب، یک تصویر، یک داده وجود داشت. منصور حکمت بعنوان شخص خود کسی بود که این جواب و این تصویر و این داده به او گره میخورد. این جواب دیگر نیست. ابهام در جامعه شکل میگیرد. آینده چه میشود؟ همه میدانستند حزب کمونیست کارگری چیست. منصور حکمت فقط لیدر این حزب نبود. منصور حکمت همه چیز این حزب بود. حزب را ساخت، تئورسینش بود، تاکتیسینش بود، سازماندهی تئورسینش بود. تئورسین فقط حزب نبود، تئورسین یک جنبش بود، جنبشی بمراتب وسیع تر و عمیق تر از حزب کمونیست کارگری ایران. تئورسین یک آرمان و یک آرزو در جامعه بود. اینها امروز همه مورد سوال است، و جوابش را از ما میخواهند. و همانطور که گفتیم بنظر من کمیته مرکزی حزب باید بتواند این سوالات را مورد نظر قرار بدهد و به آنها بپردازد.

اما یک بعد نتایج از دست دادن منصور حکمت من را بیشتر بدیدم. منصور حکمت زندگی عروج این حزب بود، بزرگی این حزب و مطرح شدنش بعنوان آلترناتیو در آینده جامعه ایران بود. طنز تلخ، اما، این است که حتی مرگش حزب را بجای پرتاب کرد که ده کنفرانس برلین نمیتوانست

رققا بحث حزب کمونیست کارگری ایران بعد از منصور حکمت بحثی است که نه من دلم میخواستم ضرورت طرح آن پیش بیاید و نه شما دلتان میخواستم آنرا بشنوید. اما واقعیتی که اتفاق افتاده است ما را ناگزیر از پرداختن به این بحث میکند. مساله این است که بزرگترین کابوس زندگی سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران متحقق شد. حزب کمونیست کارگری منصور حکمت را از دست داد و بنظر من، ما و حزب با بزرگترین سوال و سرنوشت سازترین مساله تاریخ حیات سیاسی خود روبرو شده ایم. عواقب این اتفاق و ابعادی که برای حزب دارد بشدت وسیع است. بعضی از این مسائل خود حزب را مد نظر دارد، نکاتی شبیه سازمان حزب و انسجام آن و غیره که بطور موجه مورد توجه، سوال و موضوع نگرانی اعضای حزب و مردم قرار میگیرند. و بخش مهمتری از آن فراتر از حزب کمونیست کارگری ایران به معنی اخص آن است. این مسائل و سوالات بعد اجتماعی، بعد جنبشی و بعد سیاسی دارند، که بنظر من کمیته مرکزی حزب ارگانی است که باید به این مسائل نگاه کند و جوابهای لازم را به آنها بدهد.

حزب کمونیست کارگری یک جریان سیاسی و اجتماعی است.

مساله سرنوشت حزب کمونیست کارگری ایران دیگر اساسا مسالهای درون حزبی و درون تشکیلاتی نیست. بیرون ما، از موافق تا مخالف، از سپاه پاسداران تا دو خردادی و از چپی جامعه تا آزادخواه آن میخواهند بدانند رهبری این حزب و این پلنوم چگونه به این مساله برخورد خواهد کرد و چه جوابی دارد. از شما خواهند پرسید با پدیده مرگ منصور حکمت چکار کردید؟ چه

بکند. این ابعاد را باید به رسمیت شناخت. از کیهان تهران تا گاردین و از هر گروه و محفل سیاسی تا بی بی سی دارند درباره این اتفاق حرف میزنند. منصور حکمت حتی مرگش حزب را به خانهای مردم و به جاهائی برد که قبلا نبود. مرگ منصور حکمت حزب کمونیست کارگری را در ابعاد عظیمی در جامعه مطرح کرد و توجه را به آن جلب کرد. از این نظر به مساله سرنوشت این حزب و سوالاتی که در مقابل آن مطرح است ابعاد وسیعتر اجتماعی داد.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

حزب کمونیست کارگری بعد از منصور حکمت

فکری کردید؟ و قضاوتشان را میکنند.

سوالات جدی از ما میکنند. حزب بعد از منصور حکمت کجا می‌رود؟ می‌خواهد قدرت سیاسی را بگیرد؟ اشتباهی آنرا دارد؟ شتاب و جسارت دوره منصور حکمت را از خود نشان میدهد؟ تیز بینی و ژرف اندیشی منصور حکمت را از خود نشان خواهد داد؟ می‌پرسند انسجام درونی حزب چه میشود؟ چند پارچه نمیشود؟ انسجام درونی حزب کمونیست کارگری مساله درونی ما نیست. مساله یک جنبش و مساله اجتماعی است. حتی مساله مخالفتش است. از ما می‌پرسند مارکسیسم‌تان کو؟ چه کسانی از مارکسیسم دفاع خواهند کرد؟ می‌پرسند حزب کمونیست کارگری به حزبی منتظر فرصت تبدیل خواهد شد یا حزبی خواهد ماند که مثل دوره منصور حکمت فرصت‌ها را می‌ساخت؟ آیا تبدیل به یک حزب متوسط‌الحالی نخواهید شد که منتظر فرج است؟ رادیکال است تظاهرات میکند، انسانی است، ضد ناسیونالیسم و ضد مذهب است و کمونیسم را می‌خواهد. اما این تنها یک وجه حزب منصور حکمت بود. منصور حکمت و حزیش حال را تغییر میدادند و آینده را شکل میدادند. منصور حکمت قبل از هر چیز سازنده فرصت‌ها بود. آیا حزب کمونیست کارگری چنین حزبی باقی خواهد ماند؟ حزب کمونیست کارگری آیا کماکان فرصت‌ها را می‌سازد؟ این حزبی بود که کنفرانس برلین را خلق کرد. بدون حزب کمونیست کارگری کنفرانس برلین نبود. حزب کمونیست کارگری با بحث حزب و جامعه، حزب و قدرت سیاسی، حزب و شخصیت‌ها فرصت ایفای نقش برای کمونیسم در جامعه را خلق کرد. منتظر باز شدن فضا نماند. با طیف وسیعی از کادرهای کمونیست این فرصت را برای کمونیسم خلق کرد. اینها نقاط قدرت این حزب است اما با نبود منصور حکمت ادامه آن در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرند. این سوالات تنها از یک جمع کوچک بالای حزب نیست. رهبری حزب کمونیست کارگری امروز در اینجا نشسته است و جامعه این سوالات را در مقابل آن قرار داده است. باید به آنها پاسخ دهد.

منصور حکمت چسب درونی این حزب بود. از ما می‌پرسند بعد از منصور حکمت چسب درونی حزب چه خواهد بود؟ چگونه خواهد ماند؟ اینها راستش سوال نیست. اینها

مصافهائی است که در مقابل ما قرار گرفته است. جدالهایی است که این رهبری باید با چشم باز به میدان آن برود. بعضی از اینها جواب فوری دارند، بعضی در یک پروسه جواب می‌گیرند و بعضی اصلاً جواب ندارند که به همه اینها اشاره خواهم کرد. جامعه را باید قانع کرد که این حزب از آن تئوری، از آن سیاست، از آن اشتها، از آن آرمان، از آن تصویر، از آن بزرگ بینی، از آن تلاش و از آن نقش قدم عقب نگذاشته است. پاسخ اینها از بیرون روشن نیست هرچند که در درون خود ابهامی نسبت به اینها نداشته باشیم. این مصافی است که امروز در مقابل رهبری حزب کمونیست کارگری و کادراهایش باز شده است، باید از آن پیروز بیرون بیاید. فرصت زیادی هم برای این کار نداریم که نشان دهیم همان حزبی هستیم که قبلاً بودیم. با از دست دادن این فرصت تلاش به مراتب بزرگتری برای برگرداندن حزب کمونیست کارگری به موقعیت کنونی آن لازم خواهد بود.

پلنوم قبل، پلنوم ۱۵، در این مورد بحث شد. اما یک واقعیت بزرگ از آن پلنوم تا این پلنوم تغییر کرده است. منصور حکمت در پلنوم قبل بیمار بود اما بود. از بیرون که نگاه میکردید، حتی برای خود ما و خود من، منصور حکمت بیمار بود و ممکن بود دخالتی در امور روزمره حزب نداشته باشد، اما منصور حکمت بود. از هرکس می‌پرسیدید لیبر حزب کمونیست کارگری ایران کیست به چارت تشکیلاتی ما و وضعیت جسمی منصور حکمت نگاه نمی‌کرد. سر راست میگفتند و میگفتیم لیبر این حزب منصور حکمت است. حزب، حزب منصور حکمت بود. حرفش با توجه به موقعیتی که داشت حجت بود. منصور حکمت بود و امروز منصور حکمت نیست. در نتیجه تفاوت بحث امروز با پلنوم قبل این است که واقعیت تلخ با قدرت تمام دارد در اطاق کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران را میزند. در پلنوم قبل از یک سنت مهم و یک میراث بزرگ منصور حکمت صحبت کردیم. این سنت این است که این حزب و این خط یاد گرفته است که تهییج، خود فریبی با تصاویر کاذب و شعارهای سطحی جزو سیستم نیست. تشکیلات داری کوتاه نظرانه جزو سیستمش نیست. مدت این خط و این حزب این است که چشم در چشم واقعیت، هرچند تلخ و هرچند نامطلوب، می‌دورزد و یک ارزیابی ابرکتیو و خونسرد از موقعیت بدست میدهد و راه تغییر واقعیت و شکل دادن به آینده‌ای که میخواهد را انتخاب میکند. دیدن، شناختن و عوض کردن یک سیستم یکپارچه در تئوری منصور حکمت، در تئوری مارکس و در سنت ما بوده است. ما

تعیین میکنیم آینده حزب کمونیست کارگری ایران چه خواهد بود. این سنت و متدی است که ما به آن تکیه میکنیم و از آن استفاده خواهیم کرد. آینده این حزب به نقش ما بستگی دارد. هیچ چیز تضمین شده نیست. باید با چشم باز به این مصافها برویم. موقعیتی که حزب در آن قرار گرفته حتماً برای ما موقعیت ناراحت کننده‌ای است. باید به این همه سوال و این همه ابهام جواب بدهیم. این سوالات و این ابهامات تنها در مقابل احزابی قرار می‌گیرند که بلحاظ اجتماعی جایگاه مهمی را احراز کرده‌اند. این سوالات انعکاس قدرت این حزب است نه نشانه موقعیت ضعیف آن. این سوالات ناشی از قدرت تانکونی حزب کمونیست کارگری است. قدرت حزبی است که منصور حکمت ساخته است.

در مورد جواب به سوالاتی که پیش روی ما قرار دارد من تنها چند سرخط را ذکر میکنم. حتماً رفقای دیگری در این مورد اظهار نظر تفصیلی‌تری خواهند کرد. بنظر من باید برای ما یک نکته روشن باشد و برای بیرون با خونسردی و روشن بینی و اعتماد بنفس توضیح دهیم. نکته این است که منصور حکمت جانشین ندارد و حزب کمونیست کارگری ایران خیال جانشین تعیین کردن برای منصور حکمت را ندارد. به این دلیل که منصور حکمت یک شخصیت چند بعدی بود. همانطور که گفتیم منصور حکمت لیبر سیاسی این حزب بود اما فقط لیبر سیاسی آن نبود. منصور حکمت یک تئوریسین مارکسیست بود اما فقط تئوریسین مارکسیسم نبود. منصور حکمت سازمانده این حزب بود اما فقط سازمانده نبود. منصور حکمت تاکتیسیین این حزب بود اما فقط تاکتیسیین نبود. منصور حکمت سازمانده و فرموله کننده یک جنبش بود اما فقط این نبود. حزب کمونیست کارگری عراق هم با مساله حزب بعد از منصور حکمت روبرو است. منصور حکمت وحدت نظر در حزب ما بود. این نکته مهمی است. کسی نمیتواند با پست تشکیلاتی جانشین برای این پدیده پیچیده تعیین کند. منصور حکمت در ردیف مارکس های زمانه خود است که جلو می‌ایند و رخ میدهند و هروقت دیگر هم بیایند حزب کمونیست کارگری از آنها استقبال خواهد کرد اما این کاراکترها را نمیشود سازمان داد. نمیشود با اراده آنها را تولید کرد. کسی نمیتواند تصمیم بگیرد که فردا جای منصور حکمت را پر میکند. در نتیجه ما باید برای خودمان روشن کنیم که درباره چه چیز حرف می‌زنیم

و چه جبران بعدی را میتوانیم تضمین کنیم. نکته دیگر این است که حزب کمونیست کارگری از یک نظر یک حزب متعارف نیست. نه از این نظر که خلاف جریان است و اپوزیسیون انقلابی است و کمونیست است و غیره. این حزب غیر متعارف است چون یک امتیاز یا آرامش خیال داشت که دیگران ندارند. این امتیاز این بود که لیبر، بنیانگذار و متفکری داشت که وحدت نظر را در این حزب شکل میداد. شاید این رابطه را احزاب دیگر هم با سازمانده، تئوریسین، لیبر و بنیانگذار خود دارند. کسی که چهره تئوریک، خط فکری و سنت سیاسی و عملی یک جریان را شکل میدهد از اتوریته و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حرفش و نظرش آنچنان وزنهای دارد که وحدت نظر بوجود می‌آورد. این خاصیت عمومی را در ویژگی‌ها و قابلیت خاص منصور حکمت ضرب کنید تا نقش او را در شکل دادن به یک وحدت نظر عمومی و همه جانبه در حزب را متوجه شوید. حزب کمونیست کارگری این امتیاز را داشت که امروز ندارد. حزب کمونیست کارگری حزب وحدت نظر و وحدت اراده و عمل بود. به این معنی حزب غیر متعارف بود. احزاب سیاسی جدی و اجتماعی بطور متعارف تعدد نظرات و وحدت اراده و عمل سیاسی دارند. نظرات متعددی دارند اما اراده و عمل سیاسیشان مشترک و واحد است، البته بر طبق مکانیسمی که برای تعیین نظر اکثریت قائل هستند. این یکی از مصافهای مهم در مقابل حزب کمونیست کارگری ایران است. برای ما این زمین ناشناخته‌ای است. ما عادت کرده‌ایم و با این فرهنگ بار آمده ایم که در آخر هر بحث به وحدت نظر و همراه آن وحدت عمل و اراده برسیم. این موقعیتی بود که منصور حکمت میتوانست با توجه به قابلیت‌ها و نقشش تأمین کند. با از دست دادن منصور حکمت وحدت نظر و اتفاق آرا میتوان به پدیده‌ای نادر تبدیل شود. مثل همه احزاب سیاسی دیگر. به این معنی حزب کمونیست کارگری ایران درحال گذار به یک حزب متعارف سیاسی است. سوالی که در مقابل ما قرار می‌گیرد این است که آیا میتوانیم مانند یک حزب متعارف حزب تعدد نظرات و وحدت اراده و عمل داشته باشیم؟ بگویند در حزب کمونیست کارگری ممکن است نظرات مختلفی باشد اما چیزی را که با مکانیسم‌های تشکیلاتیشان بعنوان نظر اکثریت اعلام کرده‌اند با قدرت تمام و با

اراده واحد اجرا میکنند؟ چنین حزبی ثابت تر و با ثبات تر است. حزبی که تعدد نظر و وحدت اراده دارد بلوغ خود را نشان میدهد. چنین حزبی بلحاظ سیاسی و اجتماعی پابرجاتر است، مستحکم تر است و کمتر آسیب پذیر است. لازمه این کار روشن کردن بیشتر مکانیسم‌ها در صورت لزوم و تبدیل آنها به سنت حزبی است.

حزب کمونیست کارگری میتواند یکی از راههای زیر را در پیش بگیرد: میتواند به قالب یک حزب متوسط الحال بی‌چهره فرو برود. حزب چپ معمولی بشود که در هیچ جدل جدی شرکت نمیکند، ایده‌های جدید نیماورد، عرصه‌های جدیدی را باز نمیکند، فرصت‌ها را شکل نمیدهد و گامهای بزرگ برنمیدارد. این خطر بزرگترین خطر نیست. زیرا این حزب آنچنان سنت غنی در این زمینه دارد، آفتدر صف وسیعی از رهبران و فعالین شناخته شده سیاسی را در خود جای داده است که خزیند به این موقعیت برایش دشوار است. منصور حکمت در کنگره سوم گفت که پل های پشت سر این حزب خراب شده است. درست میگفت. این حزب تنها انتخاب پیشروی را در مقابل خود دارد. ایستادن و برگشتن به عقب آنرا نابود میکند. جامعه از ما قبول نمیکند و شما و صف بزرگی از کمونیست‌ها که با این حزب هستند قبول نخواهند کرد. این دیگر در حزب ما به یک غریزه دارد تبدیل میشود. غریزه پیشرفتن و لم ندادن.

میتواند حزب تعدد نظرات باشد اما تعدد نظرات در متن بی‌تجربگی ما بجای وحدت اراده، بی‌تصمیمی و ناسامانی تشکیلاتی را باخود بپیماید. ویا میتواند همانطور که اشاره کردم به حزبی تبدیل شود که مطابق سنت تانکونی خود اعضا و کادراهی آن شخصیت دارند، حرف خودشان را می‌زنند، بیشترین امکان اظهار نظر برایشان فراهم است و به این سنت، سنت وحدت اراده و عمل را اضافه کنند. این راهی است که ما باید طی کنیم. پاسخ‌هایی که سریعاً میشود به بعضی از این سوالات داد، و کمیته مرکزی باید خودش را به آنها متعهد کند، را میشود لیست کرد. یک تعهد، تعهد به ادامه خطی که منصور حکمت برجای گذاشته است میباشد که پلنوم این تعهد را در بیانیهای که به اتفاق آرا تصویب کرد اعلام کرده است. پلنوم باید



طرح "بیمه زنان خانه دار" تحقیر آشکار زنان



ایران از بیمه بیکاری واقعی محرومند، اما حتی در سطح فرمال هم در طرح "بیمه زنان خانه دار" از چهارده میلیون زن نه بعنوان نیروی آماده به کار جامعه که باید

نیز وارد آمار و ارقام دولتی و طرحها و قوانین مجلس قرار میگیرند و از حق و حقوق زنان بحث میشود، همه حاکی از وجود و فشار جنبش اعتراضی قوی زنان در جامعه ایران بعنوان یک بخش دائمی معترض به جمهوری اسلامی است.

بدون شک طرح "بیمه زنان خانه دار" طرحی بی اعتبار برای زنان است. زنان خواهان رفع تبعیض و نابرابری در جامعه و حقوق برابر با مردان در کلیه سطوح در جامعه هستند. اما رفع ستمگشی زنان و تحقق آزادی و برابری زنان و احقاق حقوق آنان در وهله اول و قبل از هر چیز در گرو سرنگونی رژیم ضد زن جمهوری اسلامی است.

میشود. طرح "بیمه زنان خانه دار" تحقیر و توهین به زنان و بیان آشکار فرودستی آنان در جمهوری اسلامی است. این طرح نمونه ای دیگر از برخورد پدرسالارانه و قیام مآبانه حکومت اسلامی به زنان و وجود آپارتاید جنسی رسمی و قانونی در ایران است.

وجود چهارده میلیون زن که در جهنم جمهوری اسلامی بدون هیچ درآمد و تامینی بسر میبرند و بنا به گزارشات منتشره بخش بزرگی از آنان به تنهایی و بدون هیچ حق و حقوقی سرپرستی خانواده را نیز عهده دار هستند، بیش از هر چیز بیانگر ابعاد باورنکردنی ستم و بی حقوقی زنان در ایران است. اینکه امروز شاهد آئیم که زنان

شهلا دانشفر

حکومت اسلامی ضد زن و مظهر آپارتاید جنسی "هفته زن" اعلام میکند! و روزنامه انتخاب بمناسبت آغاز هفته زن در مطلبی تحت عنوان "چهارده میلیون نفر در انتظار تصویب طرح بیمه زنان خانه دار"، تصویب قریب الوقوع طرح "بیمه زنان خانه دار" را به زنان تبریک میگوید.

نرخ بیکاری در ایران هر روز ابعاد بیشتری پیدا میکند و گزارشاتی به رقم بیش از ده میلیون بیکار اشاره دارند. اما در این آمار و ارقام هیچگاه نیروی زنان در محاسبات وارد نشده است. از همین رو هیچ کجا و هیچ زمانی از وجود چهارده میلیون زن که امروز از آنها در طرح مذکور تحت عنوان تحقیر آمیز زنان خانه دار غیر شاغل و بی سرپرست و یا بدسرپرست که درآمدی ندارند و یا زنان بیوه و مطلقه و غیره صحبت میشود، نشانی نبوده است. هرچند که امروز کارگران و نیروی آماده به کار در جامعه

مراسم بزرگداشت منصور حکمت در استرالیا و دانمارک

استرالیا، سیدنی: یکشنبه ۱ سپتامبر ساعت ۳ بعدازظهر
21 Sturt Street
Dundas Community Centre
تلفنهای تماس: ۹۶۳۰۹۳۴۵ (۰۲) - ۱۱۲۴۸۱۲ - ۰۴۰

دانمارک، کپنهاگ: شنبه ۷ سپتامبر ساعت ۳ بعدازظهر
Norre ALLe Medborghus
Norre ALLe 7. 2200 Kbh. N.
تلفن تماس: ۵۱۶۰۳۱۲۱

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۵ سال به مراسم خودداری نمایید.



در نتیجه باید این عرصه را جدی بگیریم.

یک جواب جدی دیگر که همین پلنوم میتواند بدهد تعهد به جاگیر کردن سنت حزبی متعارف بهمان معنایی است که پیشتر به آن اشاره کردم. حزب تعدد نظرات و وحدت اراده. این تضمین اخلاقی نیست. باید به ارگانها، پستها و مکانیسمهای حزبی رسمیت بیشتری داد. باید حزیت را برجسته کرد. حزیت نه به مفهوم خشن و تنگ رایج چپی آن بلکه به مفهومی که ما از آن حرف میزنیم و سنت ما بوده است. منصور حکمت این

اعلام کند که جانشین برای منصور حکمت را نمیتواند معرفی کند، بدلالی که در بالا گفتیم. اما میتواند و متعهد میشود که برای جنبش و حرکت سیاسی این حزب رهبری را تامین کند. کمیته مرکزی تامین چنین رهبری را باید تضمین کند. بدون چنین رهبری، در هر شکلی، حزب کمونیست کارگری و جنبش کمونیستی کارگری و حرکت آزادیخواهانه در جامعه ایران بدون جهت و فاقد شانس پیروزی خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری نمیتواند تئوری تولید کند، این کار احزاب سیاسی نیست. کار افراد و کانونهای فکری است. اما حزب کمونیست کارگری میتواند و باید از فعالیت تئوریک حمایت کند و کار چنین افراد و کانونهایی را تسهیل نماید. حزب میتواند تضمین کند که آموزش مارکسیسم، آموزش تئوریهای مارکس، لنین، و منصور حکمت را در صفوف خود سیستماتیک تر و جدی تر خواهد گرفت. بدون وجود یک شبکه کادری مارکسیست حزب شکننده و آسیب پذیر خواهد بود. حزب به یک حزب جنبشی و سطحی تبدیل خواهد شد که با هر تلنگر ظاهرا تئوریکی تعادلش را از دست میدهد. نه سیاست جای تئوری را میگیرد و نه تئوری جای سیاست را. ما تاکنون این عرصه را جدی نمیگرفتیم، علیرغم هشدارهای خود منصور حکمت. جدی نمیگرفتیم چون منصور حکمت را بعنوان بهترین تئوریسین مارکسیست معاصر داشتیم. این هم امتیازی بود که از دست دادیم.

اول کودکان برگزار می کند

کودکان اول، چرا و چگونه؟

کنفرانسی در مورد آزادی و آینده کودکان!

تم های مورد بحث:

- * آینده و آزادی کودک * منفعت کودک و مذهب
- * منفعت کودک و جنسیت * فقر و کودکان
- * خشونت و کودکان

زمان: ۷ و ۸ سپتامبر
مکان: سوئد، استکهلم

برای ثبت نام و اطلاعات بیشتر در مورد برنامه های کنفرانس میتوانید با آدرس و شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

childrenfirst@pathcom.com
آمریکای شمالی: Tel: 1-416-434-1545
Fax: 1-781-735-8359
اروپا: Tel: +46 (070)6785183
Fax: +46 (070)6199054

اول کودکان

کمپین بین المللی دفاع از حقوق کودکان

کرده باشم: فهمیدن ابعاد فقدان منصور حکمت و پدیدههای جدیدی که حزب با آنها روبرو میشود. که استقبال درست از آنها باید به پروسه رشد حزب تبدیل شوند و نه ترسیدن از آنها. تامین و تضمین یک رهبری سیاسی برای حزب و جنبشمان. شکل دادن و تحکیم حزیت، محکم چسبیدن به تئوری مارکسیسم، تئوریهای مارکس، لنین و منصور حکمت و آموزش آنها.

رفقا

این کار را زیاد جدی بگیریم. یک رکن مهم عبور از این وضعیت به حزبی که تعدد نظرات و وحدت اراده دارد این است که حزیت را محکم بچسبیم. سازمانهای حزبی را باید رسمیت بیشتر داد و حدود اختیارات آنها را رعایت کرد. همه چیز باید مطابق مقررات و قاعده بازی جلو برود. تجدید سازمان حزب و مدرنیزه کردن آن که یکی از اقلام پلانفرم منصور حکمت بود را باید جدی بگیریم و به سرعت انجام دهیم.

نکات متعدد دیگری هست اما بحث من طولانی شد حتما رفقای دیگر در اینجا به جنبه های دیگر این مساله خواهند پرداخت من میخواستم بعنوان گشایش بحث به این نکات اشاره



در لندن اسلاميون به هزيمت افتادند!

کاظم نيگخواه



"مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زنده باد سکولاریسم، زنده باد سوسیالیسم" و با سخنرانی در دفاع از حقوق و حرمت انسانی به تظاهرات متقابل دست زدیم. صف کمونیستها و صف این موجودات ضد بشر حتی در ظاهر هم گویی تصویری از دو قطب متضاد دنیای امروز را پیش چشم میگذاشت. از یکسو مردان و زنانی با چهره ها و پوشش و سر و وضع مرتب و شاد و با نشاط، از آزادی و برابری و حقوق برابر زن و مرد سخن میگفتند، و از سوی دیگر موجوداتی در پوششی کفن مانند و سراپا سیاه یا سفید همچون پیامبران مرگ، نعره میکشیدند و از نفرت و ظلمت سخن میگفتند. جمعیتی چند هزار نفره که آمده بودند تا با کنجکاوی و نگرانی و نفرت طالبانهای بریتانیا را از دور نظاره کنند، با شنیدن شعار نه به آپارتاید جنسی، نه به تروریسم اسلامی و پرچمهای سرخ، سر برگرداندند، بسیاری لبخند بر چهره شان نشست و شماری به صف کمونیستها پیوستند و در دفاع از حقوق انسانی شعار سردادند. صدها تن خود را به جلو کشیدند تا نشریه و اعلامیه ها را قبل از تمام بگیرند. فضا شور و آلهایی دیگر پیدا کرد. گویی جمعیت هزاران نفره از اینکه بشریت مدافعی پیدا کرده است به وجد آمده بود. اسلاميون از سخنرانیها و شعارهای جمعیت کلافه شده بودند و خود را در موضع ضعف میدیدند. چند بار در روضه خوانیهایشان خود را ناچار دیدند به سخنرانیها و شعارهای ما جواب

قرار بود مرکز لندن به مرکز اثبات برتری نظام اسلامی بر همه نظامها تبدیل شود. گفته بودند می آیند تا میخ خود را در قلب اروپا بکوبند. در میان سازمانهای اسلامی رنگارنگی که در بریتانیا با پول و حمایت دولتها و باندهای مافیائی اسلامی سر بر آورده اند، سازمان "المهاجرون" به خود جرات میدهد تا حرف دل همه را صریح تر از همه بگوید. آشکارا سخن از قتل غیر مسلمانان و مرتدین میزند، زنان بی حجاب را فاحشه مینامد، میخواهند به ضرب شمشیر و سلاح نظامشان را بر جهان بگسترانند. حق و حقوقی جز بنده الله بودن برای بشر قائل نیستند و به این اعتراف میکنند. لیست ترهات گندیده عصر جاهلیت بی انتهاست. اینها حرف دل همه جنبشهای اسلامی است. هر جا ملاحظات دیپلماتیک نداشته اند و نیازی به همزیستی با همسایه ای را حس نکرده اند، همین ها را با زبانهای متفاوت اما محتوای یکسان بیرون ریخته اند.

مهاجرون که سازمانی فوق راست و فاشیستی-اسلامی است روز یکشنبه به مرکز لندن آمده بود تا به بشریت و حرمت انسانی توهین کند و برود. اما این بار کمونیستهای کارگری جلوشان ایستادند. ما با پرچمهای قرمز و با شعارهای "نه به تروریسم اسلامی نه به تروریسم دولتی"، "طالبان برو گمشو"، "نه به آپارتاید جنسی"،

اسعد گوشا

ماههای اول پس از سقوط شاه، در اصفهان به پیرمردی برخوردیم که ضمن ابراز انزجارش از حکومت اسلامی، از دوران کودکی اش خاطره ای به این مضمون تعریف کرد که، با همبازیهایش درب باغ آخوند اعظم را میزدند و این شعر را با صدای بلند تکرار میکردند. "رئیس العلما وقت نمازه، آی حجازه، آی حجازه، پول انگلیس زیر جانمازه، آی حجازه" که البته فراش آقا با ترکه آلبالو به پاسخ گوئی برمیآمده است. اگر نخواهیم دانی جان ناپلئونی ماترک آخوندها را به بیضه استعمار انگلیس وصل کنیم، باید بگویم که پرنس چارلز عزیزالاسلام ما را از شک به یقین میکشاند که کاسه ای زیر نیم کاسه کاخ باکینگهام (اسلام کیت) وجود دارد.

در صفحات اینترنتی سایت بی بی سی بخش انگلیسی به دو مورد خبر به تاریخهای ۱۳ اکتبر و ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱ برخوردیم که اولی حکایت از صرف شام جناب پرنس با برادر بن لادن و مشورت در مورد سرنوشت اسلام و دومی شرکت ایشان در مراسم ماه رمضان و اعانه ۱۰ میلیون پوند ناقابل به پروژه مرکز اسلامی لندن میکرد. سطور بعدی خبر، به علاقه تاریخی و بیکران شاهزاده چارلز به فرهنگ اسلامی تاکید میکند.

شاهزاده نه تنها صبر نکرد تا اجساد تمامی قربانیان بمب اسلامی در آمریکا کشف و دفن شوند، بلکه آنچنان شتابان به دلداری از امت اسلامیش پرداخت که مبادا این لشکریان جهل و جنایت نسبت به استحکام جایگاه تاریخی خود نزد ظل الله شبهه بخود راه دهند. آنچه مسلم است، ابراز علاقه شاهزاده به عقب مانده ترین فرهنگ خاورمیانه و صرف میلیونها پوند

دهند. گفتند "اینها مارکسیستهای ایرانی هستند که بر علیه ما تظاهرات میکنند"، "اینها به ما میگویند ما ضد زن هستیم همین خاهرانی که اینجا هستند از رهبران ما هستند" و سخنران همزمان به دو زن با پوشش سراپا سیاه اشاره کرد، مثل فیلمهای کمپی شده بود. حتی چشمهایشان دیده نمیشد!

گفته بودند تا ساعت ۶ بعد از ظهر تظاهراتشان را ادامه میدهند. ساعت حدود سه و بیست دقیقه بود که یک مرتبه جمع کردند و رفتند. جمعیت هورا کشیدند و میدان تماما به تظاهرات ما یعنی حزب کمونیست کارگری ایران و عراق اختصاص یافت. و همه سراپا گوش بودند تا سخنان ما را بشنوند. بسیاری آمدند و به ما دستخوش گفتند. و از اعلامیه ها و نشریه بریفینگ انگلیسی که عکس منصور حکمت و مقاله "ظهور و سقوط اسلام سیاسی" در صفحه اول آن خود نمایی میکرد یک نمونه هم باقی نماند.

این برای اسلاميون یک عقب نشینی آشکار بود. اما عقب نشینی کافی نیست. آنها را سر جایشان خواهیم نشاند. ■

پرنس چارلز از ظل الله تا عین الله

ماحصل استعمار طبقه کارگر برای حفظ و توسعه فرهنگ ارتجاعی اسلام نه از روی علاقه خاندان سلطنت به آثار عتیقه و یا علاقه شخصی ایشان به دین مبین اسلام (به همین دلیل ساده که ایشان حاضر نیست طوق مسلمانی بگردن اندازد)، بلکه از روی علاقه به بالا نگهداشتن و حفظ ارزش سهام خود در اسلام سیاسی است. بازدهی تاکنونی این سرمایه گذاری آنقدر شاهزاده را تشنه کرده است که بوی الرحمن اسلام سیاسی را بخصوص پس از ۱۱ سپتامبر به مشام مبارک نمیرساند.

مقام شامخ سلطنت از سایه خدا (ظل الله) با ولخرجیهایی میلیونی به چشم و چراغ خدا (عین الله) نزد متولیان اسلامیش بدل شده است. همین الطاف شاهزاده، گستاخی گروههای رسما اوباش اسلامی از قبیل المهاجرون را یحیی رسانده است که خواهان برپائی "حکومت اسلامی انگلستان" و برقراری قانون شریعت در این کشور هستند. دهان کجی شاهزاده به زنانی که همه روزه توسط "فرهنگ" اسلامی تحقیق میشوند و یا توسط غیرت اسلامی برادران و پدرانشان حتی در اروپای واحد بقتل میرسند، بحد سنگسار زنان توسط اسلاميون وقیح و شنیع است. به جناب شاهزاده اطمینان میدهم که با انقلابی که در ایران با خصیصه های قوی ضد اسلامی در حال شکل گیری است، ارزش سهام اسلامی او و شرکایش به صفر خواهد رسید. در عوض ایشان میتوانند آخوندها و مفتی هایشان را به موزه های کاخ سلطنتی فراخوانند تا در معیت متولیان سیاه چالها و شکنجه گاههای قرون وسطائی، توریستها را به فضای آزمون برده و موزه های بیجان را بهیاهو درآوردند و درآمد حاصله نیز بخشا جبران خسارت نماید. ■

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

برای یک دنیای بهتر

برنامه ای از علی جوادی

از طریق ماهواره، در تلویزیون "کانال ۱"

در آمریکای شمالی، اروپا و ایران

هر هفته، سه شنبه ها، از سوم سپتامبر ۲۰۰۲

ایران: ۸:۳۰ شب - اروپای مرکزی: ۶ بعدازظهر - لس آنجلس: ۹ صبح

Email: Ali_Javadi@yahoo.com

Fax: 001-208-246-4221